

(1) عالیجناب سلطنت و شوکت قباب نصفت و معدلت ایاب عظمت و جلالت انتساب
 حشمت و اہمت مناب پادشاہ عالیجہ خورشید کلاہ ستارہ سپاہ فرنگستان پناہ جم قدر کردون
 وقار فلک اقتدار ناہید بہجت کیوان رفعت (2) جمشید صولت ثریا منزلت عمدہ سلاطین
 حشمت آیین عظیم الشان عیسویہ زبدہ خواقین با تمکین مسیحیہ المتتمکن علی سریر
 السلطنہ بالارث و الاستحقاق المیزین مسند الحکومت بالعدالہ و الاخلاق جعل اللہ
 عواقبہ خیر من اولی^۱ شمساً للسلطنہ و الشوکہ و الحشمہ و العظمہ و المحبہ و المودہ و العطفہ
 و العز و الامتنان پادشاہ و ندیک^۲ را (3) بعد از تمہید قواعد محبت و وداد و تشدید
 مبانی خلت و اتحاد مرفوع رای قرضیا میگرداند کہ الحمد للہ و المنہ کہ مجاری حالات
 اینجایی بین توفیقات الہی و حسن تأییدات نامتناہی بر حسب مدعاہ دوستان است
 (4) و اصلاً امری کہ مکروہ خاطر مہرآکین بودہ باشد واقع نیست و چون فیابین نواب
 ہایون ما و سلاطین عظیم الشان مسیحیہ قواعد محبت و اتحاد و یکانگی مشید و مستحکم
 است و پیوستہ ابواب رسل و رسائل و آمد شد مفتوح است و ہمیشہ کرکیراقان (5) و ملازمان
 این درکہ کہ بدانصوب وارد کشتہ تردد و آمد شد میبایند اظہار رضا و خشنودی تمام از
 و کلاہ عالی و ملازمان متعالی آن سلطنت و شوکت پناہ حشمت دستگاہ عالیجہ از حسن
 سلوک ایشان بغایت راضی و شاکراند و درینولا (6) بنا بر تجدید ضوابط اتحاد و یکانگی
 بدستور کرکیراقان سرکار خاصہ شریفہ را بہت خریداری امتعہ و اجناس آنحدود روانہ
 خدمت سامی نمودیم طریق محبت آنست کہ وکلا و ملازمان سرکار عالی را مأمور سازند کہ
 بدستور در امداد و اعانت (7) ایشان خودرا معاف نداشته امتعہ و اجناس کہ سفارش
 شدہ باشد خریداری نمایند و چون نواب ہایون ما ہمیشہ در سفریم و با مخالفان و معاندان

جنگ و جدال مینمایم و کرفکه اعلی ضرورت است اگر در باب (8) خریداری کرفکه اعلی نیز ملازمان سرکار خاصه را مامور سازند که نسبت به کرکیرافان مذکور امداد و همراهی تمام بجای آورده ایشانرا مقصی المرام روانه سازند از اتحاد و یکانکی که فیابین واقعست دور نیست و مقرر فرمایند که تجار و مترددین آنصوب (9) از روی فراغ بال و رفاه حال تردد و آمد شد نموده بمالك محروسه وارد کشته هرگونه امتعه و اجناس اینجایی که خواهند و ضرورت داشته باشند خریداری نمایند که بمن عدالت ابدی الاتصال هیچ آفریده را حد و یارای ان نیست که یکسر مو (10) بیحساب و زیادتى یا حدی تواند نمود و بیشتر از پیشتر در مقام محبت و یکانکی بوده همواره ابواب مکاتبات و مراسلات مفتوح داشته هرگونه خدمتی و رجوعی که در ینصوب داشته باشند اعلام فرمایند که فیصل پذیر گردد چون غرض اظهار خصوصیت و (11) اتحاد و محبت و وداد بود زیاده اطباب نرفت ایام سلطنت و شوکت و حشمت و نصفت و معدلت و جلالت مستدام باد^{3۲}